[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در مطبع نامی منشی نولکشور واقع کانپور [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی رسوله محمد وآله وصحبه اجمعین

اما بعد میگوید بندهٔ ضعیف مفتقر الی رحمة الله الباری یمین الدین احمد بن شاه محب الحسین شیخپوری البهاری که پیش ازین بزرگی سند را وقتی یکجا برده اند وآن را طبع کنانیده اند وآنرا دیده ام اما اکثر سندها در آن تغیر افتاده است از آنکه این احقر را این سند و دستخط پیر و مرشد خود طبع کنانیدن مناسب دانسته ام سند هذا لبس عزیز و چیزیست که سلسلهٔ اسناد خرقهٔ صحبت آنان تا جامع این اوراق میرسد ام مستفاد بنده سند واجازت یافت از پیر و مرشد خود حضرت سید شاه ولایت علی قادری ابوالعلائی اسلام پوری که از اولاد امجاد حضرت میر سید علی همدانی علیه الرحمة اند متعنا الله بطول بقائه و نور قلوبنا بنور لقائه و حضرت ایشان سند واجازت یافته اند از پدر بزرگوار خود سید کریم بخش و ایشان از پدر خود سید میر علی و ایشان از پدر خود سید حسن علی و ایشان از پدر خود سید حجت الله افضل و ایشان از پدر خود سید رفیع الدین و ایشان از پدر خود سید ولی و ایشان از پدر خود سید اعظم و ایشان از پدر خود سید نصیر الدین و ایشان از پدر خود سید راجی محمد و ایشان از پدر خود سید عبد الله و ایشان از پدر خود سید اشرف و ایشان از پدر خود [illegible] و ایشان از پدر خود سید صدر الدین و [illegible]

سید بدرالدین و ایشان از پدر خود سید شمس الدین سیه‌پوش همدانی و ایشان از پدر خود
سید علاء الدین همدانی و ایشان از پدر خود سید محمد همدانی و ایشان از پدر خود میر سید علی
همدانی رحمة الله علیهم اجمعین چون خواهد که اوراد فتحیه آغاز کند اول فاتحه حضرت شاه
جنید و میر سید علی همدانی و اصحاب استاد و یک هزار و چهار صد اولیا که میر سید علی
همدانی اوراد فتحیه از ایشان یافته است بخواند و بحضرت حق تعالی بوساطت ایشان
دعا [illegible] جمعیت و فتح و فتوح کند بعده هفت بار استغفار و هفت بار درود خواند بعد
اوراد فتحیه با [illegible] صبح [illegible] و بقبله [illegible] روی با آواز [illegible] بخواند [illegible]
و [illegible] شفا [illegible] اول و آخر [illegible]
با [illegible] بخواند اگر از یک کس [illegible] نتواند [illegible]
میر سید علی همدانی علیه الرحمة [illegible] و [illegible] اولیا [illegible]
کامل [illegible] ختم [illegible] هر یک [illegible] از انجمله چهار صد اولیا [illegible] یا فتحم
و هر یکی [illegible] و هر یک اسمی [illegible] الله [illegible] فتح [illegible] ایشان
از ان [illegible] کثیر البرکات فراوان [illegible] فتحم
[illegible] از ان فتح الباب [illegible] مجموع آنرا اوراد فتحیه [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] نوشته اند [illegible]
کردم [illegible] سلام [illegible] یا فتحم [illegible] صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]
نشسته و جمع کثیر از صحابه رضی الله عنهم [illegible] سلام کردم [illegible]

الی نهایة فرمودند و طومار که تا غایت بر بسته بود و او بگشادم همان کلمات بود که در بیاض ساعت از یکهزار و چهار
الی امین سید و بود و ترتیب شرائی را التمام چون ترتیب قرأت آن را معاودم کردم بجا این سعید
کارهای اوراد را جدا باید خواند یا فقیه درین ضمن دیده شد که چگونه در حالت پیر کشیده بزمره الحال
همان اوراد را میخوانند حضرت رسالت صلی الله علیه و آله وسلم و اسپه سید این سعید گزار
فرمودند که بدین ترتیب باید خواند از آن روز باز اوراد را بر عادت خواندن آغاز کردم شمه
احوال امیر کبیر سید علی همدانی از جامع السلاسل و تحفه مشائخ همدانیه بعضی مختصر
اصحاب حضرت شیخ محمود مزدقانی علیه الرحمة و از سیصد و سی مشائخ کامل ارشاد و اجازت
داشت از انجمله یکی سعید حبشی بود رضی الله عنه که از اصحاب رسول صلی الله علیه و آله وسلم
بود و از صحبت وی علی همدانی از صحبت او بشرف تابعین مشرف شد و فروغ دل یافت
و خرقه خلافت گرفت و در علم از فحول علما بود و طی الارض داشت چنانچه سه مرتبه
ربع مسکون را طی کرد نقل است که علمای نصاری را در ولایت روم با علمای
اهل اسلام درین حدیث مذاکره افتاد که علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل
یعنی پیغامبر شما گفته است که علمای امت من مثل انبیای بنی اسرائیل اند و عیسی
علیه السلام احیای اموات میکرد اگر درین قول پیغامبر شما اصح است مرده را
زنده کنید علمای اسلام عاجز گشتند مهلت چهل روزه خواستند چون مدت سپری شد
بموجب الهام سید علی همدانی بطی الارض در آن مجمع حاضر شد و گفت پیغامبر ما راست
گفته [illegible] را [illegible] آن [illegible] که علمای امت ما [illegible]

که پیغمبر شما که احیای اموات میکرد چه میگفتند جواب گفتند پیغمبر ما قُم باذن الله
گفته زنده میشد گفت اگر من به فرمان الله تعالی قُم باذنی بگویم این مرده زنده شود شما به پیغمبر ما
ایمان آرید گفتند آری پس بابا فرمود دین پیغمبر ما از فروترین امت وی ام چون من هزاران
درین زمان یافته میشوند پس گفت قُم باذنی و دست آن مرده بگرفت و برداشته
پس همه ایمان آوردند نقل ست که لقمه حرام پیش اخلاق مبارک وی فرو نشده
صاحب قران امیر تیمور پادشاه این حال چون شنید برای امتحان دعوت وی کرد
ابیات گفت بخادم که دو جه حرام بیارند و ساز طعام را خادم مطبخ [illegible]
[illegible] طعام [illegible]
طعام امیر تیمور سوال از حلیت و حرمت آن طعام کرد ابیات گفت که شاه این طعام
رزق حلال ست یا حرام گفته ازین نکته که کردی سوال بر تو حرام آمد بر من حلال شد
نقل [illegible] سید [illegible] امیر کبیر علی همدانی داشته بود [illegible] اولی
ابیات گفت مرا [illegible]
[illegible] سال در سیاحت بود [illegible] سال [illegible]
[illegible] نوشته است که اکثر مردم کشمیر کافر بودند و اسلام را چندان رواج نبود چون
کافران را باسلام خواندم گفتند که ما را شیخی ست عالم و فاضل و صاحب کرامات اگر
در مناظره غالب آیی اسلام آریم [illegible]
[illegible]

که بطریق استدراج کرامات نماید گاوی ایستاده بود گفت اگر توانی بگوی که در رحم این گاو
گوساله بچه نر است و یا ماده است یا نر گفتم تو بگوی گفت نر است چون تامل کردم خبر بود گفت
سیاه فام است و قرصهٔ پیشانی او سپید است گفتم پیشانی او سپید نیست بلکه سر دُم
وی سپید است دم را حلقه کرده بر پیشانی آورده فرمود تا شکم گاو را بشگافتند همان
سر دم بود که بر پیشانی حلقه کرده بود خواست که حیلهٔ دیگر انگیزد آن حالت و استدراج
از و برگرفتم از آن خود دستاری فرو نشست منفعل از جای خود برخاست
سر بپای من انداخت و اسلام آورد و یکی از واصلان شد چون کافران
چنین دیدند اکثر مسلمان شدند از آن روز اسلام در آن ولایت در
تزاید شد او را ازین چنین خوارق و کرامات بسیار است و او را تصانیف است
مثل شرح فصوص الحکم و ذخیرة الملوک و رسالة الشفا لما فی الصدور
و دیگر کتب تصوف و غزلیات و غیره و علی و علائی تخلص اوست این شعر
از وست ــ عشق جانان آتش و جان علائی خس بود خس چو در آتش
بسوزد دیگر او را خس مخوان بود تا آتش گشتم ز پیچ و ز سینه بشنتند و هشت ماه و
هشت تبریز تو در وقت الوس و حکام سنه تاریخ وفات کسی و ناظم آورده
مثنوی همدانی ست سید همدان ما است شاهی اعلی ... فاتحه ... عشق
بتقلید کشمیر فیض بخشد بهر ... [illegible] ... در والا بیت ... [illegible]
ما سید ... جوان ما ... سال ... و الا ... سال ... [illegible]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خداے بخشایندہ مہربان

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الْعَظِیْمَ الَّذِیْ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

آمرزش میخواهم از خداے بزرگ خداوندی کہ نیست معبودی براستی جز وے

الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ وَأَتُوْبُ إِلَیْهِ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ

کہ زندہ است قائم دارندہ ہمہ چیز را و باز میگردم بسوئ او و سوال میکنم از وے قبول توبہ

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَیْكَ

الٰہی توئی سالم دارندہ و از تست سلامتی مخلوقات و بتو

یَرْجِعُ السَّلَامُ حَیِّنَا رَبَّنَا بِالسَّلَامِ وَأَدْخِلْنَا

خواهد گردید سلامتی زندہ دار ما را اے پروردگار ما بسلامتی و در آر ما را

ح ۱۵ الحی القیوم بر دو منصوب اند بنا بر صفت الله و یا بدل و رفع این هر دو نیز جائز است بتقدیر مبتدا والذی لا اله الا هو در میان جمله معترضه است ۱۲

دار السلام تباركت ربنا وتعاليت يا

در بهشت بسیار بابرکت شدی تو ای پروردگار ما و برتری ای

ذا الجلال والاكرام + اللهم لك الحمد حمدا

صاحب بزرگی و فضل الٰهی ترا ستایش ستایشی

يوافي نعمك ويكافي مزيد كرمك

که برابری کند با نعمتهای تو و برابری کند با زیادتی کرمهای تو

احمدك بجميع محامدك ما علمت منها وما

حمد میکنم ترا بجمیع ستایشهای تو آنچه دانسته‌ام از آنها و آنچه

لم اعلم وعلى جميع نعمك ما علمت منها وما

ندانسته‌ام و بر تمامی نعمتهای تو آنچه دانسته‌ام ترا از آنها و آنچه

لم اعلم وعلى كل حال + اعوذ بالله

ندانسته‌ام و بر هر حال پناه می‌گیرم بخدا

من الشيطان الرجيم + الله لا اله الا هو

از شیطان رانده شده الله نیست هیچ معبودی بجز وی

الحی القیوم لا تاخذه سنة ولا نوم له

زنده است قائم دارنده همه چیز را نمیگیرد اورا پینکی و نه خواب اوراست

ما فی السموات وما فی الارض من ذا الذی

آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین هست کیست آنکه

یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم

شفاعت کند نزدیک او مگر بحکم او میداند آنچه پیش ایشانست

وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من علمه

و آنچه پس پشت ایشانست و در نمیگیرند چیزی را از علم او

الا بما شاء وسع کرسیه السموات

مگر بآنچه خواسته است فرا گرفته است کرسی او آسمانها را

والارض ولا یؤده حفظهما وهو العلی العظیم

و زمین را و گران نمیسازد اورا نگاه داشتن هر دو و اوست برتر بزرگ

سبحان الله سی و سه بار الحمد لله سی و سه بار الله اکبر

پاکیزه و پاکست خدا جمیع ستایش مر خدا راست خدا بسیار بزرگ

صد بار لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

نیست معبود سزاوار بحق بجز خدا که تنها است نیست شریک مر اورا

لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

مر او راست پادشاهی و او راست ستایش و او بر همه چیز قادر

ده بار لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ ، لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ

نیست معبودی بحق بجز خدا پادشاه [illegible] نیست معبودی بحق بجز [illegible]

الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ، لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

یگانه است غالب بر همه چیز نیست معبودی بحق بجز خدا [illegible]

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْكَرِيمُ السَّتَّارُ ، لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْكَبِيرُ

نیست معبودی بحق بجز خدای تعالی کریم [illegible] پوشنده گناهان [illegible]

الْمُتَعَالُ ، لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ خَالِقُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

[illegible] بر همه چیز نیست معبود بحق بجز خدای تعالی که آفریننده شب و روز است

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْمَعْبُودُ بِكُلِّ مَكَانٍ

نیست معبود بحق بجز خدای تعالی که [illegible] در هر مکان [illegible]

لا إله إلا الله المذكور بكل لسان لا إله

نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که یاد کرده شده است بهر زبان — نیست معبودی

إلا الله المعروف بكل إحسان لا إله إلا

جز خدای تعالی که شناخته شده است بهمه نیکیها — نیست معبودی برحق جز

الله كل يوم هو في شأن + لا إله إلا الله إيمانا

خدای تعالی که هر روز او در یک کار هست — نیست معبودی برحق جز خدای تعالی در حالیکه ایمان

بالله + لا إله إلا الله أمانا من الله + لا إله إلا

آورندگانیم بخدا — نیست معبودی برحق جز خدای تعالی در حالیکه امان هست از خدای تعالی — نیست معبودی

الله أمانة من عند الله + لا إله إلا الله ولا

خدای تعالی در حالیکه امانت هست از نزد خدای تعالی — نیست معبودی برحق جز خدای تعالی و نیست

حول ولا قوة إلا بالله + لا إله إلا الله ولا نعبد

باز ماندن از گناه و نه قدرت بر نیکی مگر بتوفیق خدای تعالی — نیست معبودی برحق جز خدای تعالی و نمی پرستیم

إلا إياه + لا إله إلا الله حقا حقا + لا إله إلا الله

مگر او را — نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که بتحقیق محقق است — نیست معبودی برحق جز خدای

إِيمَانًا وَتَصْدِيقًا + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ تَعَبُّدًا وَ

از روی ایمان و تصدیق    نیست معبود برحق جز خدای تعالی    از روی عبادت

رِقًّا + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ تَلَطُّفًا وَرِفْقًا + لَا إِلٰهَ

بندگی    نیست معبودی برحق جز خدای تعالی از جهت مهربانی و    از زاری نیست معبودی

إِلَّا اللهُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ بَعْدَ

جز خدای تعالی که پیش از همه چیز هست    نیست معبود برحق جز خدای تعالی که پس

كُلِّ شَيْءٍ + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ يَبْقَىٰ رَبُّنَا وَيَفْنَىٰ

همه چیز خواهد ماند    نیست معبود برحق جز خدای تعالی باقی خواهد ماند پروردگار ما و فانی شونده

وَيَمُوتُ كُلُّ شَيْءٍ + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْمَلِكُ

و خواهد مرد همه چیز    نیست معبود برحق جز خدای تعالی که پادشاه است

الْحَقُّ الْمُبِينُ + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ

متحقق الوجود و ظاهر الوجود    نیست معبود برحق جز خدای تعالی که پادشاه است سزاوار پادشاهی

الْيَقِينُ + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ + لَا إِلٰهَ

الیقین است مرا    نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که برتر    بزرگ است    نیست معبود

اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِیْمُ الْکَرِیْمُ + لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

جز خدای تعالی که بردبار و کریم است    نیست معبودی بر حق جز خدای تعالی

رَبُّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ

که پروردگار هفت آسمان است    و پروردگار عرش

الْعَظِیْمِ + لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اَکْرَمُ الْاَکْرَمِیْنَ + لَا اِلٰهَ

بزرگ است    نیست معبودی بر حق جز خدای تعالی که بخشنده‌ترین بخشندگان است    نیست معبودی بر حق

اِلَّا اللّٰهُ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ + لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ حَبِیْبُ

جز خدای تعالی که مهربان‌ترین مهربانان است    نیست معبودی بر حق جز خدای تعالی که دوست دارنده

التَّوَّابِیْنَ + لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَاحِمُ الْمَسَاکِیْنِ + لَا اِلٰهَ

توبه‌کنندگان است    نیست معبودی بر حق جز خدای تعالی رحمت کننده بیچارگان است    نیست معبودی بر حق

اِلَّا اللّٰهُ هَادِی الْمُضِلِّیْنَ + لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ دَلِیْلُ

جز خدای تعالی که راه‌نمای گمراهان است    نیست معبودی بر حق جز خدای تعالی که راه‌نماینده

الْحَائِرِیْنَ + لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اَمَانُ الْخَائِفِیْنَ +

حیرت‌زدگان است    نیست معبودی بر حق جز خدای تعالی که ایمن کننده ترسندگان است

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ غِیَاثُ الْمُسْتَغِیْثِیْنَ + لَا اِلٰهَ

نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که فریادرس فریادخواهان است    نیست معبودی برحق

اِلَّا اللّٰهُ خَیْرُ النَّاصِرِیْنَ + لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ خَیْرُ

جز خدای تعالی که بهترین یاری کنندگان است    نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که بهترین

الْحَافِظِیْنَ + لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ خَیْرُ الْوَارِثِیْنَ

نگهبانان است    نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که بهترین میراث گیرندگان است

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ خَیْرُ الْحَاكِمِیْنَ + لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که بهترین حاکمان است    نیست معبودی برحق جز خدای تعالی

خَیْرُ الرَّازِقِیْنَ + لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ خَیْرُ الْفَاتِحِیْنَ

که بهترین روزی دهندگان است    نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که بهترین گشایندگان کار است

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ خَیْرُ الْغَافِرِیْنَ + لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که بهترین آمرزگاران است    نیست معبودی برحق جز خدای تعالی

خَیْرُ الرَّاحِمِیْنَ + لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا

که بهترین مهربانان است    نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که یگانه است و

صَدَقَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ

و راست ساخت وعده خود را    و یاری کرد بنده خود را    و غالب کرد لشکر خود را

وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ وَلَا شَيْءَ بَعْدَهُ

و شکست داد جماعه‌های کافران را    تنها    و هیچ چیز نماند پس او

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ أَهْلُ النِّعْمَةِ وَلَهُ الْفَضْلُ

نیست معبودی بجز خدا که اوست صاحب نعمت    و مر او راست فضل و عطا

وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ خَلْقِهِ

و مر او راست ستایش    نیک    نیست معبودی بجز خدای تعالی بشمار مخلوقات

وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ

و بوزن    عرش وی    و بقدر خوشنودی ذات وی    و بقدر سیاهی کلمات وی

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ صَاحِبُ الْوَحْدَانِيَّةِ الْفَرْدَانِيَّةِ

نیست معبودی بحق مگر خدای تعالی که صاحب یگانگی ست در ذات و در صفات الوهیت

الْقَدِيمِيَّةِ الْأَزَلِيَّةِ الْأَبَدِيَّةِ لَيْسَ لَهُ

و صاحب یکتایی‌ست    قدیمیت    ازلیت    ابدیت او را

صمد و لا ند و لا شبه و لا شريك

مخالف و نہ ہمسر و نہ مانند و نہ انباز

لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك

[illegible]

وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت

اور اسی کے واسطے [illegible] [illegible] [illegible]

بيده الخير وهو على كل شيء قدير

[illegible]

واليه المصير هو الاول والآخر والظاهر

[illegible]

والباطن وهو بكل شيء عليم ليس كمثله

[illegible]

شيء وهو السميع البصير تمسكنا بالله و نعم

[illegible]

الوكيل + نعم المولى ونعم النصير

کہ بسپری کارگزار ندو خوش خداوندی ست و نیک یار ست و دہندہ

۳ بار غفرانك ربنا واليك المصير

می طلبیم آمرزش ترا اے پروردگار و بسوے تست بازگشت

اللّٰهم لا مانع لما اعطيت ولا معطي

الہی نیست باز دارندۂ آن چیزرا کہ تو بخشیدی و نیست دہندہ

لما منعت ولا رادّ لما قضيت ولا ينفع

آن چیزرا کہ منع دادی و نیست بازگردانندہ ہر چیزے را کہ تو حکم ساختی و ہیچ سود نکند

ذا الجد منك الجد + سبحان ربي العلي

صاحب بخت را از تو بخت او پاک ست پروردگار من کہ بلند ست

الاعلى الوهاب + ۳ بار سبحان ربي العلي

و برتر و بخشندہ پاک ست پروردگار من کہ بلند ست

الاعلى الكريم الوهاب + يا وهاب

و برتر و صاحب کرم و بخشندہ ای بسیار بخشندہ

سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ

پاکی هستی تو نپرستیدیم ترا حق پرستیدن تو

سُبْحَانَكَ مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ سُبْحَانَكَ

پاکی هستی تو نشناختیم ترا حق شناختن تو پاکی هستی تو

مَا ذَكَرْنَاكَ حَقَّ ذِكْرِكَ سُبْحَانَكَ

نه یاد کردیم ترا حق یاد کردن تو پاکی هستی تو

مَا شَكَرْنَاكَ حَقَّ شُكْرِكَ + سُبْحَانَ اللّٰهِ

نه شکر کردیم ترا حق شکر تو پاک است خدای

الْوَاحِدِ + سُبْحَانَ اللّٰهِ الْأَبَدِيِّ الْأَبَدِ

که یکتا است پاک است خدای که باقی جاودان که باقی دوامی است

الْأَحَدِ + سُبْحَانَ اللّٰهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ

در صفات یکتا است در ذات پاک است خدای که تنها است بی‌نیاز

سُبْحَانَ اللّٰهِ رَافِعِ السَّمٰوٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ +

پاک است خدای که بلند ساخت آسمانها را بی ستون

سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِیْ لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَّلَا

پاک است خدائے که نگرفت زن و نه

وَلَدًا + سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِیْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُوْلَدْ

فرزند را پاک است خدائے که نزائید کسے را و نه زائیده شده

وَلَمْ یَکُنْ لَّهٗ کُفُوًا اَحَدٌ + سُبْحَانَ الْمَلِكِ

از کسے و نبوده است او را همتا یکے هیچ پاک است پادشاهی که

الْقُدُّوْسِ + سُبْحَانَ ذِی الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوْتِ

پاک است از عیوب پاک است صاحب عالم ظاهر و عالم باطن

سُبْحَانَ ذِی الْعِزَّةِ وَالْعَظَمَةِ وَالْقُدْرَةِ

پاک است صاحب عزت و بزرگی و قدرت تمام

وَالْهَیْبَةِ وَالْجَلَالِ وَالْجَمَالِ وَالْکَمَالِ

و هیبت و بزرگی و خوبی و کمال

وَالْبَقَاءِ وَالثَّنَاءِ وَالضِّیَاءِ وَالْآلَاءِ وَالنَّعْمَاءِ

و پایندگی و ستایش و نور و نعمتهائے باطن و نعمتهائے ظاهر

والكبرياء والجبروت + سبحان

وبزرگی ذات وبزرگی صفات پاک ست

الملك الحي الذي لا ينام ولا يموت

پادشاهی که زنده است خواب نمیکند و نمیمیرد

سبوح قدوس ربنا ورب الملائكة

پاک ست از هر نقصان و درست از هر عیب پروردگار ما و پروردگار فرشتگان

والروح + سبحان الله والحمد لله ولا إله

و روح ست پاک ست خدا ای تعالی و جمیع ستایش مر خدای تعالی راست و نیست معبود

إلا الله والله أكبر ولا حول ولا قوة

بحق جز خدای تعالی و خدا ای تعالی بزرگتر ست و نیست باز ماندن از گناه و نه قوت

إلا بالله العلي العظيم + اللهم أنت

بر طاعت مگر بتوفیق خدا است بزرگ الهی تو ای

الملك الحق الذي لا إله إلا أنت ۞

پادشاهی سزاوار بندگی است که نیست معبود و سزاوار بحق جز تو

| | | |
|---|---|---|
| یَا اَللّٰہُ | یَا رَحْمٰنُ | یَا رَحِیْمُ |
| اے خدا | ای بسیار بخشندہ | ای نہایت مہربان |
| یَا مَلِکُ | یَا قُدُّوْسُ | یَا سَلَامُ |
| ای پادشاہ ظاہر و باطن | ای پاک منزہ از عیوب و نقائص | اے سالم از عیب |
| یَا مُؤْمِنُ | یَا مُهَيْمِنُ | یَا عَزِیْزُ |
| ای امان دہندہ | ای نگاہبان | ای غالب و بے ہمتا |
| یَا جَبَّارُ | یَا مُتَکَبِّرُ | یَا خَالِقُ |
| ای جبر و قہر کنندہ خلق بر جمیع خود | ای صاحب کبریا | ای ہست کنندہ کل چیزہا |
| یَا بَارِئُ | یَا مُصَوِّرُ | یَا غَفَّارُ |
| ای آفرینندہ خلق بی نمونہ | ای صورت نگار خلق | ای بہ نہایت آمرزندہ |
| یَا قَهَّارُ | یَا وَهَّابُ | یَا رَزَّاقُ |
| ای غالب بر ہر چیز | ای بسیار بخشندہ بے عوض | ای روزی دہندہ |
| یَا فَتَّاحُ | یَا عَلِیْمُ | یَا قَابِضُ |
| ای کشایندہ کارہای مشکل | ای دانا بہمہ چیز | اے تنگ کنندہ روزی بحکمت |

| | | |
|---|---|---|
| یا باسط | یا خافض | یا رافع |
| ای گشاینده روزی | ای پست کننده متکبران | ای بلند گرداننده مومنان |
| یا معز | یا مذل | یا سمیع |
| ای عزت دهنده | ای خوار کننده | ای شنونده |
| یا بصیر | یا حکم | یا عدل |
| ای تیز بین بینا | ای حکم کننده | ای دادگر |
| یا لطیف | یا خبیر | یا حلیم |
| ای باریک بین مهربان | ای با خبر از همه چیز | ای بردبار |
| یا عظیم | یا غفور | یا شکور |
| ای بزرگوار مطلق | ای آمرزنده | ای قدردان شاکران و اکسیر پاداش دهنده |
| یا علی | یا کبیر | یا حفیظ |
| ای برتر از همه | ای فائق بر همه چیز | ای نگاه دارنده |
| یا مقیت | یا حسیب | یا جلیل |
| ای توانا در روزی رساننده | ای کفایت کننده و محاسبه کننده فائق بر همه چیز | ای بزرگوار به خلق و بی نیاز |

| | | |
|---|---|---|
| یا کریم | یا رقیب | یا مجیب |
| ای بزرگوار [illegible] و کریم | ای نگهبان [illegible] | ای [illegible] |
| یا واسع | یا حکیم | یا ودود |
| ای فراخ عطا | ای [illegible] استوار کار | ای [illegible] |
| یا مجید | یا باعث | یا شهید |
| ای صاحب بزرگی و شرف | ای برانگیزنده [illegible] مردگان | ای [illegible] |
| یا حق | یا وکیل | یا قوی |
| ای متحقق الوجود سزاوار خدائی | ای آنکه کار خود با او باید سپرد | ای [illegible] |
| یا متین | یا ولی | یا حمید |
| ای استوار کار | ای [illegible] | ای [illegible] |
| یا محصی | یا مبدی | یا معید |
| ای ضبط کننده همه چیز | ای پیدا کننده [illegible] | ای [illegible] |
| یا محیی | یا ممیت | یا حی |
| ای [illegible] | ای [illegible] | ای [illegible] |

| | | |
|---|---|---|
| یا قیوم | یا واجد | یا ماجد |
| ای قیام نماینده و بتدبیر حفظ خلق | ای توانگر که محتاج نگردد | ای بزرگوار مطلق |
| یا واحد | یا احد | یا صمد |
| ای یگانه در صفات | ای یکتا در ذات | ای بے نیاز و پاک |
| یا قادر | یا مقتدر | یا مقدم |
| ای توانای مطلق | ای توانای که عجز را بار راه نیست | ای پیش کننده هر کرا خواهد |
| یا مؤخر | یا اول | یا آخر |
| ای پس کننده هر کرا خواهد بمقتضای حکمت | ای پیش از همه در ذات و وجود | ای باقی مانده بعد فنای خلق |
| یا ظاهر | یا باطن | یا والی |
| ای آشکار | ای پنهان | ای کارکن با تدبیر و قدرت |
| یا متعالی | یا بر | یا تواب |
| ای فایق و برتر از صفات خلق | ای بسیار نیکوکار | ای قبول کننده توبه |
| یا منعم | یا منتقم | یا عفو |
| ای نعمت دهنده | ای مکافات کننده | ای تجاوز کننده از گناهگار |

| | | |
|---|---|---|
| یا رئوف | یا مالک الملک | یا ذالجلال والاکرام |
| ای بسیار رحمت کننده | ای خداوند جهانیان | ای صاحب بزرگی و بخشش |
| یا رب | یا مقسط | یا جامع |
| ای پروردگار | ای داد دهنده | ای فراهم آرنده پراگنده ها |
| یا غنی | یا مغنی | یا معطی |
| ای بی نیاز مطلق | ای بی نیاز گرداننده | ای عطا دهنده |
| یا مانع | یا ضار | یا نافع |
| ای باز دارنده | ای ضرر رساننده | ای نفع رساننده |
| یا نور | یا هادی | یا بدیع |
| ای خود ظاهر و ظاهر کننده دیگران | ای راه نما | ای آفریننده [illegible] بی سابقه نمونه |
| یا باقی | یا وارث | یا رشید |
| ای پاینده دائم | ای مالک ماننده بعد از فنای مخلوق | ای راه نماینده [illegible] |
| یا صبور | یا صادق | یا ستار |
| ای آنکه تعجیل نکند در عقوبت گنهکاران | ای راست گو | ای پوشاننده [illegible] |

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا

ای پروردگار ما پس بیامرز برای ما گناهان ما را

وَكَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا وَتَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ

و بپوش از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکوکاران

يا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ

ای آنکه نیست مثل او هیچ چیز و او شنوا

الْبَصِيرُ حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

بینا بس است ما را خدا و نیکو وکیل است

نِعْمَ الْمَوْلى وَنِعْمَ النَّصِيرُ يا دائِماً

نیکو مولی و نیکو یاری دهنده ای همیشه پاینده

يا دائِماً وَيا قائِماً يا لا يَزُولُ وَيا باقِياً

همیشه و ای پاینده ای بی زوال و ای باقی

يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ تَفَضَّلْ عَلَيْنا وَأَحْسِنْ إِلَيْنا

كُلَّ عَيْنٍ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ

بر شمردن ثنای را نمی توانم شمرد ستایش همه تو را

كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَىٰ نَفْسِكَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ

چنانچه ثنا گفته بر ذات خود غالب است پناه گیرنده بزرگ است

ثَنَاؤُكَ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَ

ثنای تو و پاک است نامهای تو و بزرگ است

شَأْنُكَ وَلَا إِلٰهَ غَيْرُكَ يَفْعَلُ اللّٰهُ مَا يَشَاءُ

شان تو و نیست معبودی بر حق بجز تو میکند خدای تعالی آنچه میخواهد

بِقُدْرَتِهِ وَيَحْكُمُ مَا يُرِيدُ بِعِزَّتِهِ أَلَا إِلَى

بتوانائی خود و حکم میکند آنچه میخواهد بغلبه و قوت خود آگاه باشید بسوی

اللّٰهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا

الله تعالی باز میگردد همه کارها هر چیز فنا پذیر است بجز

وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

ذات او مر اوراست حکم و بسوی او باز خواهید گشت

فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

زود باشد که کفایت کند ترا خدای تعالی از شر اعدا و اوست شنوا دانا

حَسْبُنَا اللّٰهُ وَكَفٰى + سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعَا +

بسنده است ما را خدای تعالی و کافی شنونده است خدای تعالی هر کسی را که دعا کند

لَيْسَ وَرَاءَ اللّٰهِ الْمُنْتَهٰى + مَنِ اعْتَصَمَ بِاللّٰهِ

نیست جز بخدا نهایت مقاصد هر که چنگ زد بخدای تعالی

نَجَا + سُبْحَانَ مَنْ لَمْ يَزَلْ رَبَّنَا رَحِيمًا +

نجات یافت پاک است آنکه همیشه است پروردگار مهربان

وَلَا يَزَالُ كَرِيمًا + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ

و همیشه خواهد ماند با جود و کرم نیست معبودی بحق جز خدای بردبار

الْكَرِيمُ + سُبْحَانَ اللّٰهِ وَتَبَارَكَ اللّٰهُ

کریم پاک است خدای تعالی و با برکت است خدای تعالی

رَبُّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ +

پروردگار هفت آسمان است و پروردگار عرش بزرگ

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ + لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

و همه ستایش مر خدای راست که پروردگار همه عالم است — نیست معبودی برحق جز خدای تعالی تنها

وَحْدَهٗ لَا شَرِیْكَ لَهٗ اِلٰهًا وَّاحِدًا اَحَدًا

که هیچ انباز نیست مر او را خداوند یگانه و یکتا در ذات

صَمَدًا فَرْدًا وِتْرًا حَیًّا قَیُّوْمًا دَائِمًا اَبَدًا

بی نیاز یگانه طاق زنده دائمی قائم دارنده همه خلق جاودان که پایان ندارد

لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَّلَا وَلَدًا وَّلَمْ یَكُنْ لَّهٗ

نگرفت زن و نه فرزند و نیست مر او را

شَرِیْكٌ فِی الْمُلْكِ وَلَمْ یَكُنْ لَّهٗ وَلِیٌّ

انبازی در پادشاهی و نیست او را کارسازی

مِّنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِیْرًا + اَللّٰهُ اَكْبَرُ

از جهت عجز و تعلیم یاد کن او را تعظیم یاد کردنی — خدای تعالی بزرگ است

حَسْبُنَا اللّٰهُ لِدِیْنِنَا حَسْبُنَا اللّٰهُ لِدُنْیَانَا

بسنده است ما را خدای تعالی برای کار دین ما — بسنده است ما را خدای تعالی برای کارهای دنیای ما

حَسْبُنَا اللّٰهُ آمَنَّا حَسْبُنَا اللّٰهُ لِلْمُؤْمِنِينَ

بسنده است ما را خدای تعالی برای ایمان آوردن ما  بسنده است ما را خدای تعالی برای دفع کسیکه

بَغَىٰ عَلَيْنَا حَسْبُنَا اللّٰهُ لِمَنْ حَسَدَنَا

ظلم کنند بر ما  بسنده است ما را خدای تعالی برای دفع کسیکه رشک کند ما را  بسنده است

اللّٰهُ لِمَنْ كَادَنَا بِسُوءٍ حَسْبُنَا اللّٰهُ عِنْدَ

خدای تعالی برای دفع کسیکه مکر کند ما را به بدی  بسنده است ما را خدای تعالی وقت

الْمَوْتِ حَسْبُنَا اللّٰهُ عِنْدَ الْقَبْرِ حَسْبُنَا

مرگ  بسنده است ما را خدای تعالی وقت قبر  بسنده است ما را

اللّٰهُ عِنْدَ السُّؤَالِ حَسْبُنَا اللّٰهُ عِنْدَ

خدای تعالی وقت سؤال  بسنده است ما را خدای تعالی وقت

الصِّرَاطِ حَسْبُنَا اللّٰهُ عِنْدَ الْحِسَابِ

[illegible]

حَسْبُنَا اللّٰهُ عِنْدَ الْمِيزَانِ حَسْبُنَا

[illegible]

عِنْدَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ + حَسْبُنَا اللّٰهُ

نزد بهشت و دوزخ بس است ما را خدای تعالی

عِنْدَ اللِّقَاءِ + حَسْبِيَ اللّٰهُ الَّذِي

وقت دیدار بس است مرا خدای تعالی آنکه

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ

نیست معبودی برحق جز خدای تعالی بر وی تکیه کردم و بسوی او

أُنِيبُ + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ اللّٰهِ مَا أَعْظَمَ

باز میگردم نیست معبودی برحق جز خدای تعالی پاک است خدای تعالی چه بزرگ است

اللّٰهَ + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ اللّٰهِ مَا أَعْلَمَ

خدای تعالی نیست معبودی برحق جز خدای تعالی پاک است خدای تعالی چه بردبار است

اللّٰهَ + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ اللّٰهِ مَا أَكْرَمَ اللّٰهَ

خدای تعالی نیست معبودی برحق جز خدای تعالی پاک است خدای تعالی چه بزرگوار است خدای تعالی

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که یگانه است نیست انباز مر اورا

[illegible]

مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ حَقًّا + اَللّٰهُمَّ صَلِّ

محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرستادہ خدا است بتحقیق الٰہی رحمت کاملہ فرست

عَلٰی مُحَمَّدٍ كُلَّمَا ذَكَرَهُ الذَّاكِرُوْنَ

بر محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم ہرگاہ کہ یاد کنند او را یاد کنندگان

وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ كُلَّمَا غَفَلَ عَنْ

و رحمت کاملہ فرست بر محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم ہرگاہ غافل شوند از

ذِكْرِهِ الْغَافِلُوْنَ + رَضِيْنَا بِاللّٰهِ تَعَالٰی

یاد کردن او غافلان راضی شدیم ما بخدا تعالیٰ

رَبًّا + وَبِالْاِسْلَامِ دِيْنًا + وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهٖ

پروردگار بودنش و باسلام بر دین بودنش و بمحمد صلی اللہ علیہ وآلہ

وَسَلَّمَ نَبِيًّا وَّ رَسُوْلًا + وَبِالْقُرْاٰنِ اِمَامًا

وسلم نبی بودنش و رسول بودنش و بمصحف آن امام بودنش

وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً + وَبِالصَّلٰوةِ فَرِيْضَةً +

و بکعبہ بر قبلہ بودنش و بہ نماز بفریضہ بودنش

وَبِالْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا الصِّدِّيقِ

و به مؤمنان که پیرو بودند مر ایشان را بابو بکر صدیق رضه

وَالْفَارُوقِ وَذِي النُّورَيْنِ وَالْمُرْتَضَى

و بعمر فاروق رضه و بعثمان ذی النورین رضه و بعلی المرتضی علیه السلام

أَئِمَّةً رِضْوَانُ اللهِ تَعَالَى عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

با امام بودن ایشان رضای خدای تعالی باد بر ایشان همه

مَرْحَبًا بِالصَّبَاحِ الْجَدِيدِ وَبِالْيَوْمِ السَّعِيدِ

فراخی عیش باد به پگاه نو و بروز نیک

وَبِالْمَلَكَيْنِ الْكَاتِبَيْنِ الشَّاهِدَيْنِ

و به دو فرشته نویسندگان کردو گواه

الصَّادِقَيْنِ حَيَّاكُمَا اللهُ تَعَالَى

راست اند زنده دارد شمارا خدای تعالی

فِي غُرَّةِ يَوْمِنَا هَذَا الْكِتَابَ فِي أَوَّلِ

با سلام گوید در اول امروز ما نویسند در اجه اسی

صحیفتنا بسم الله الرحمن الرحیم واشهد لها

نامهٔ اعمال ما — بسم الله الرحمن الرحیم — و گواه باشید

بانا نشهد ان لا اله الا الله وحده لا

بدین که ما گواهی میدهیم که نیست معبودی برحق مگر خدای تعالی که تنها است نیست

شریک له ونشهد ان محمدا عبده

انباز وی — او را — و گواهی میدهیم که — محمد صلی الله علیه وسلم بندهٔ اوست

ورسوله ارسله بالهدی ودین الحق

و فرستادهٔ او — فرستاده است او را براه راست — و دین حق

لیظهره علی الدین کله ولو کره

تا غالب گرداند او را — بر — همه دینها — اگر چه ناخوش دارند

المشرکون وعلی هذه الشهادة نحیی

این را مشرکان — براین — گواهی — زنده مانیم

وعلیها نموت وعلیها نبعث ان شاء الله تعالی

و بران — میریم — و بر آن — برانگیخته شویم — اگر خواهد خدای تعالی

أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ كُلِّهَا مِنْ

پناه میگیرم به کلمات خداوند تعالی که کامله اند همه از

شَرِّ مَا خَلَقَ، بِسْمِ اللّٰهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ

بدی آنچه آفریده بنام خدا که بهترین نامهاست

بِسْمِ اللّٰهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَرَبِّ السَّمَاءِ

بنام خدا که پروردگار زمین است پروردگار آسمان

بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ

بنام خداوند که ضرر نمیرساند با نام او چیزی

فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ

در زمین نه در آسمان و اوست شنوا

الْعَلِيمُ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ

دانا همه ستایش خدا راست که زنده کرد ما را بعد از آنکه

مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ الْبَعْثُ وَالنُّشُورُ

میرانید و برد ما را و بسوی اوست برانگیخته شدن و پراگنده شدن

أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلّٰهِ + وَالْعِزَّةُ وَ

صبح کردیم ما و صبح کرد پادشاهی از آن خدای تعالی و غلبه و

الْعَظَمَةُ وَالْكِبْرِيَاءُ + وَالْجَبَرُوتُ

بزرگواری و بزرگی ذات است و بزرگی‌ها خدا است

وَالسُّلْطَانُ وَالْبُرْهَانُ لِلّٰهِ + وَالْآلَاءُ

و پادشاهی و حجت هم خدای را است و از نعمای ظاهر

وَالنَّعْمَاءُ لِلّٰهِ + وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ لِلّٰهِ + وَمَا

و عطاهای باطنی از آن خدا است و شب و روز از آن خدا است و آنچه

سَكَنَ فِيهِمَا لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ + أَصْبَحْنَا

ساکن است در شب و روز از آن خدای است که یگانه است غالب صبح کردیم ما

عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ وَعَلَى كَلِمَةِ

بر آفرینش اسلام و بر کلمه

الْإِخْلَاصِ وَعَلَى دِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

اخلاص و بر دین پیغمبر خود که محمد است

صلى الله عليه وسلم وعلى ملة

رحمت کامله فرستد خدا بروی و سلام و بر روش

أبينا إبراهيم حنيفا مسلما وما كان

پدر خود که ابراهیم است که یک جهت بود مسلمان و نبود

من المشركين صلوات الله وملائكته وأنبيائه

از مشرکان درودهای خدا و فرشتگان او و پیغمبران او

ورسله وحملة عرشه وجميع خلقه

و فرستادگان او و بردارندگان عرش او و تمامی مخلوقات او

على سيدنا محمد وآله وأصحابه

بر مهتر ما محمد صلی الله علیه وسلم و بر آل او و بر یاران او

عليه وعليهم السلام ورحمة الله

بروی و بر ایشان سلام و رحمت خدا

وبركاته الصلوة والسلام عليك

و برکتهای او رحمت خدا و سلام بر تو باد

يَا رَسُوْلَ اللهِ + اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

اے رسول خدا رحمت خدا و سلام برتو باد

يَا حَبِيْبَ اللهِ + اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

اے دوست خدا رحمت خدا و سلام برتو باد

يَا خَلِيْلَ اللهِ + اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

اے دوست خدا رحمت خدا و سلام برتو باد

يَا نَبِيَّ اللهِ + اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

اے پیغمبر خدا رحمت خدا و سلام برتو باد

يَا صَفِيَّ اللهِ + اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

اے برگزیدہ خدا رحمت خدا و سلام برتو باد

يَا خَيْرَ خَلْقِ اللهِ + اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

ای بہترین خلق خدا رحمت خدا وسلام برتو باد

يَا مَنِ اخْتَارَهُ اللهُ + اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

اے آنکہ برگزید او را خدا رحمت خدا وسلام برتو باد

يا من امتحنها الله، الصلوة والسلام

ای آنکه خسر ستار او را افزایست رحمت خدا و سلام

عليك يا من زينه الله، الصلوة والسلام

بر تو باد ای آنکه آراسته است وی را خدا رحمت خدا و سلام

عليك يا من شرفه الله، الصلوة والسلام

بر تو باد ای آنکه شریف کرده است او را خدای رحمت خدا و سلام

عليك يا من كرمه الله، الصلوة والسلام

بر تو باد ای آنکه بزرگ گردانیده است او را خدا رحمت خدا و سلام

عليك يا من عظمه الله، الصلوة والسلام

بر تو باد ای آنکه با عظمت گردانیده است وی را خداست رحمت خدا است و سلام

عليك يا سيد المرسلين، الصلوة والسلام

بر تو باد ای سرور رسولان رحمت خدا است و سلام

عليك يا امام المتقين، الصلوة والسلام

بر تو باد ای پیشوای پرهیزگاران رحمت خدا و سلام

الصلوة والسلام علیک یا خاتم النبیین

برتو باد ای مهر پیغامبران رحمت خدا و سلام

الصلوة والسلام علیک یا شفیع المذنبین

برتو باد ای شفاعت کننده گناهگاران رحمت خدا و سلام

صلوات الله علیک یا رسول رب العالمین

برتو باد ای فرستاده پروردگار جهانیان درودهای خدا

وملائکته وانبیائه ورسله وحملة عرشه

و فرشتگان او و پیغامبران او و فرستادگان او و بردارندگان عرش او

وصلی الله علی سیدنا محمد وعلی آله

و درود فرستد خدا بر سید ما محمد صلی الله علیه وسلم و بر آل او

واصحابه علیه وعلیهم السلام

و یاران او بر او و بر ایشان سلام

ورحمة الله وبرکاته اللهم صل علی سیدنا محمد

و رحمت خدا و برکتهای او ای خدا درود فرست بر سید ما محمد

فِي الْأَوَّلِينَ + وَصَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ

در پیشینیان و رحمت کن بر مهتر ما محمد در پسینیان

وَصَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَإِ الْأَعْلَى إِلَى

و رحمت کن بر مهتر ما محمد در گروه برترین تا

يَوْمِ الدِّينِ + وَصَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ

روز قیامت و رحمت کن بر مهتر ما محمد در همه

وَقْتٍ وَحِينٍ + وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ

وقت و زمان و رحمت کن بر تمامی پیغمبران

وَالْمُرْسَلِينَ ؛ وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعَلَى

و رسولان و بر فرشتگان خود که مقرب بارگاه تواند و بر

عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ + وَعَلَى أَهْلِ طَاعَتِكَ

بندگان نیکوکار خود و بر فرمان برداران خود

أَجْمَعِينَ + وَارْحَمْنَا مَعَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

همه و رحم کن بر ما با ایشان به رحمت خود ای مهربان تر از مهربانان

# دعای رقاب

که هم از تالیف شریف موحد ربانی اسم کبیر حضرت سید علی همدانیست رحمة الله علیه و بعد ختم اوراد فتحیه بجاے دعا دست برداشته می خوانند

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداے بخشاینده مهربان

اللهم یا مالک الرقاب + و یا مفتح الابواب +

الهی اے مالک گردنها و اے کشاینده درها

و یا مسبب الاسباب + هیئ لنا سببا +

و اے سازنده سببها مهیا کن براے ما سببے

لا نستطیع له طلبا + اللهم اجعلنا

که نتوانم براے آن جستن الهی گردان ما را

مشغولين بأمرك آمنين بعدلك +

مشغول بکار تو ایمن باشنده بداد تو

آيسين من الخلق آنسين بك مستوحشين

ناامید شونده از خلق انس گیرنده بتو وحشت شونده

من غيرك راضين بقضائك صابرين

از غیر تو راضی شونده بقضای تو شکیبا

على بلائك ذاكرين لآلائك شاكرين

بر بلای تو یاد کننده نعمتهای تو شکر کننده

لنعمائك متلذذين بذكرك فرحين

نعمتهای ترا لذت یابنده بذکر تو شاد شونده

بكتابك مناجين لك في آناء الليل و

بکتاب تو راز گوینده باتو در میان شب و

أطراف النهار مبغضين الدنيا محبين

کرانه های روز دشمن دارنده دنیا را و دوست دارنده

بِالْآخِرَةِ مُشْتَاقِينَ إِلَى لِقَائِكَ مُتَوَجِّهِينَ

آخرت را مشتاق لقای دیدار تو متوجه

إِلَى جَنَابِكَ مُسْتَعِدِّينَ لِلْمَوْتِ اُسْتَرْحِمْنَا

بسوی درگاه تو مهیا شونده برای مرگ از رحم کن ما

وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ

و بده ما را آنچه وعده کرده ما را بزبان پیغمبران خود و رسوا مکن ما را

الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ اللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا

قیامت بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را الهی روزی کن

التَّوْفِيقَ رَفِيقَنَا وَالصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ طَرِيقَنَا

توفیق را رفیق ما و راه راست را راه ما

اللّٰهُمَّ أَوْصِلْنَا إِلَى مَقَاصِدِنَا وَقْتَ حَاجَاتِنَا

الهی برسان ما را بمقصدهای ما وقت حاجتهای ما

إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ اللّٰهُمَّ ...

بدرستیکه تو قبول کننده توبه بسیار رحم کننده الهی ...

أَصْبَحْنَا وَبِكَ أَمْسَيْنَا + وَبِكَ نَحْيَىٰ وَبِكَ

صبح کردیم بنام تو شام کردیم وبنام تو زنده ایم وبنام تو

نَمُوتُ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ + اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا

خواهیم مرد وبسوی تست بازگشت الهی روزی کن مارا

لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَىٰ وَجْهِكَ وَالشَّوْقَ إِلَىٰ لِقَائِكَ

لذت دیدار بسوی روی تو وشوق بسوی دیدار تو

اَللّٰهُمَّ أَرِنَا الْحَقَّ حَقًّا وَارْزُقْنَا اتِّبَاعَهُ + وَأَرِنَا

الهی بنما مارا راست را راست وروزی کن مارا پیروی آن وبنما مارا

الْبَاطِلَ بَاطِلًا وَارْزُقْنَا اجْتِنَابَهُ + اَللّٰهُمَّ

باطل را باطل وروزی کن مارا پرهیز کردن ازان الهی

أَرِنَا حَقَائِقَ الْأَشْيَاءِ كَمَا هِيَ + تَوَفَّنَا

بنما مارا حقائق چیزها چنانکه هست بمیران مارا

مُسْلِمِينَ وَأَلْحِقْنَا بِالصَّالِحِينَ + وَادْفَعْ

مسلمان ولاحق کن مارا بنیکوکاران ودفع کن

عنا شر الظالمين + وشاركنا في دعاء المؤمنين

از ما بدی ظالمان وشریک کن ما را در دعای مومنان

ونبهنا عن نومة الغافلين + وارزقنا شفاعة

وبیدار کن ما را از خواب غافلان در روز محشر نصیب ما شفاعت

سيد المرسلين + وادخلنا الجنة بسلام

سرور پیغمبران و داخل کن ما را در بهشت بسلامتی

آمنين + واحشرنا مع المتقين + وخلصنا

امن پاینده و حشر کن با پرهیزگاران وخلاص کن ما را

من النار يا مجير + اللهم اغفر لامة محمد

از آتش ای پناه دهنده الهی بجنش امت محمد را

صلى الله عليه وسلم + اللهم ارحم امة

صلی الله علیه وسلم الهی رحم کن بر امت

محمد صلى الله عليه وسلم + اللهم

محمد صلی الله علیه و سلم الٰی

اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ اُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

رحم کن امت محمدرا صلی الله علیه وسلم

اَللّٰهُمَّ اقْضِ حَاجَاتِ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

الهی باشناس کارهای نیک امت محمدرا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ اُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى

وسلم الهی درست ساز کارهای امت محمد صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ اُمَّةِ

الله علیه وسلم الهی کشایش کن از امت

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَللّٰهُمَّ

محمد صلی الله علیه وسلم الهی

اَكْرِمْ اُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [illegible]

بزرگ دار امت محمد صلی الله علیه وسلم الهی

[illegible]

[illegible]

اللهم [illegible]

الهی [illegible] از [illegible]

وسلم اللهم [illegible]

وسلم الهی [illegible] تو به [illegible]

علینا وبارک [illegible] آمین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

المذنبین اغفر لنا ذنوبنا + وکفر عنا

گناهگاران   بخشش براے ما گناهان مارا   دور کن   از ما

سیئاتنا وتوفنا مع الابرار + اللهم اغفر

بدیهاے مارا   و بمیران مارا با نیکوکاران   الهی بخش

ذنوبنا + اللهم استر عیوبنا + اللهم اشرح

گناهان مارا   الهی   بپوشان عیبهاے مارا   الهی بکشا

صدورنا + اللهم احفظ قلوبنا + اللهم

سینهاے مارا   الهی   نگاهدار   دلهاے مارا   الهی

نوّر قلوبنا + اللهم یسّر امورنا + اللهم

روشن ساز دلهاے مارا   الهی   آسان کن کارهاے ما   الهی

حصّل مرادنا + اللهم تمم تقصیرنا +

حاصل کن   مراد ما   الهی   کامل ساز   کوتاهی مارا

اللهم نجنا مما نخاف + یا خفی الالطاف +

الهی   نجات ده مارا از آنچه می ترسیم   اے صاحب مهربانیهاے پنهان

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا + وَلِوَالِدِيْنَا + وَلِمَشَايِخِنَا +

الٰهی ببخش مارا و مادران و پدران مارا و بزرگان مارا

وَلِاُسْتَاذِنَا + وَلِاَصْحَابِنَا + وَلِاَحْبَابِنَا +

و استاد مارا و یاران مارا و دوستان مارا

وَلِعَشَائِرِنَا + وَلِقَبَائِلِنَا + وَلِمَنْ لَهٗ حَقٌّ عَلَيْنَا +

و خویشاوندان مارا و قرابتیان مارا و کسیکه او را حقے باشد بر ما

وَلِجَمِيْعِ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ

و جمیع امت محمد را او ہر سے رحمت خدا باد و سلام

وَقِنَا رَبَّنَا شَرَّ مَا قَضَيْتَ + وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ +

و نگاه دار مارا اے پروردگار ما از بدی آنچه حکم کردی و نگاه دار مارا از عذاب آتش

وَعَذَابَ الْقَبْرِ + وَعَذَابَ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ + وَاحْشُرْنَا

و عذاب گور و عذاب روز قیامت و حشر ما کن

مَعَ الْمُتَّقِيْنَ وَالْاَبْرَارِ + اَللّٰهُمَّ بِحُرْمَةِ

با پرهیزگاران و نیکوکاران الٰهی بحرمت

هذه الاوراد الفتحية افتح لنا ابواب

اپنے اوراد فتحیہ کشادہ کر ہمارے واسطے دروازے

العنايات والكرامات ووفقنا للطاعات

عنایتوں سے و بزرگیوں اور توفیق دے ہمارے واسطے طاعتوں

والعبادات واحفظنا من الآفات

و عبادتوں و نگاہدار ہمارا از آفتوں

والبليات وارزقنا الرزق الحسنات

الٰهي احفظ ايماننا

من جميع البلايا والامراض بفضلك يا الله تعالى

على سيدنا محمد وآله واصحابه اجمعين

بر سید ہمارے محمد صلی اللہ علیہ وسلم و آل اور اصحاب سب پر

## قطعات تاریخ طبع سابقه

### قطعهٔ تاریخ طبع از شاه معین الدین احمد صاحب فتحپوری

بِلّٰه الحمد که در قالب طبع — جان ازین نسخهٔ محبوب آمد
بهر تاریخ شده هم چو بتا در فکر — دل خبر داد که مرغوب آمد

۱۲۹۳ھ

### ایضاً از چودهری شیخ واعظ الدین حسین صاحب اسلامپوری

باشد این نسخه مطبوع چون مطبوع شد — جست واعظ سال طبعش چون گل بر شگفت
سال فصلی نیز تاریخ شنید جبرئیل — باشد او را نسخهٔ خوش طبع گفت

۱۲۹۲ فصلی — ۱۲۹۲ھ

### ایضاً از شیخ افضل حسین صاحب اسلامپوری

شد این نسخه مطبوع اکنون کجاست — ولی کش بهمه جهان خریداریست
ز دل جست افضل چو تاریخ طبع — بگفتا عجب تحفهٔ نادریست

۱۲۹۲ھ

تاریخ ارتحال ملک کریما شیخ محمد حسین صاحب [illegible]

| | |
|---|---|
| وداع ہوئے وصال ملک کریمی | بیست و ہفتم [illegible] سال [illegible] ۱۲ ۱۲ھ |

از نتیجۂ فکر شیخ عبدالکریم صاحب جونپوری

| | |
|---|---|
| [illegible] | دل [illegible] |
| [illegible] | سال [illegible] ۱۲ھ |

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]